

جهان را ز بهر خورش ساختند

ز بهرای بیشی نیرداختند  
البته این بیت در چاپ‌های معتبر شاهنامه و کشف‌الایات چاپ دکتر دبیر سیاقی نیامده است.

برآرم (اول شخص جمع مضارع) برآوریم، برآوریم، گویش خراسانی از تمام صیغه‌های سوم شخص جمع افعال ماضی و مضارع که یای ضمیر جمع را به کسره تبدیل و تلفظ کنند.

(البته لازم به توضیح نیست که برآوریم اول شخص جمع است نه سوم شخص جمع افعال) این ضبط به عقیده مؤلف محترم در این بیت است:

از ایران و ایرج برآرم دمار  
حال چرابه همان شیوه همه خوانندگان آن را برآرم  
یعنی برآورم نخوانیم، پرسشی است که مؤلف محترم باید به آن پاسخ بدهد.

۶) آمیختن مدخل‌ها

در همه فرهنگ‌ها واژه‌های مشابه را بر اساس هویت دستوری، اشتقاقی و ریشه کلمه جدا می‌آورند، اما در این فرهنگ این امر رعایت نشده است و واژه‌هایی را که صرفاً از نظر شکل یکسان است یکجا آورده‌اند. برای مثال کلمه آفرین به معنای تحسین و زه و معنی صفت فاعلی یعنی مخفف آفریننده زیر یک مدخل آمده است.

«باز» به معنی پرنده شکاری و به معنی سوسی و جانب و به معنی پیشوند یکجا آمده است. همین طور کلمه باره به معنای بارو اسب و بارو تنها یک مدخل دارد. نیز مدخل‌های آورد، بر، بهی و...

اما در این قسمت نیز روش یکسانی رعایت نشده است و بعضی واژه‌ها به اشتباه (یا به درست) دارای مدخل‌های جداگانه است مثلاً «بپای» براساس هویت دستوری جدا شده است، و هم‌چنین «برز» و...

بخش دوم و بخش سوم کتاب یعنی شرح نام‌ها و شرح جای‌ها هیچ کمکی به خواننده نمی‌کند زیرا توضیحی درباره معانی نام‌ها، اشتقاقی آنها، پیشینه آنها

و... ندارد و تنها همان اطلاعی را به خواننده می‌دهد که خود از خواندن بیت درمی‌یابد.

برای مثال درباره آرش تنها چنین گفته شده است:  
آرش: پسر کعباد. برادر کاووس  
در مورد باربد نیز گفته شده:

باربد: نوازنده و سراینده مشهور خسروپروریز  
اما آنچه در این بخش جالب است این است که مؤلف صفات پهلوانان را نیز در بخش نام‌ها آورده است بنا براین بدنام و بدگمان چنین معنی شده است:

بدنام: افراسیاب

بدگمان: افراسیاب

بنا براین خواننده هر جا در شاهنامه به کلمه بدگمان و بدنام برخورد کرد باید بداند همان افراسیاب بدنام معروف است نه بدنام دیگری.

کلمه شاه در شاهنامه را چنین معنی کرده‌اند:

- ۱- اسفندیار ۲- افراسیاب ۳- بهرام گور ۴- تژاو
- هربرموده ۶- خاقان چین ۷- (کنایه از) زال زر ۸- سرخه
- از زبان پدرش افراسیاب در سوگ او ۹- سیاوش ۱۰-
- شاه مازندران ۱۱- شاه هاماوران ۱۲- شیده ۱۳- فرود
- ۱۴- فریبرز ۱۵- فریدون ۱۶- کافور مردمخوار
- ۱۷- کرکوی در جنگ وی با سام (کنایه) ۱۸- کیخسرو
- ۱۹- کی‌کاووس ۲۰- گشتاسب ۲۱- لهراسب ۲۲-
- محمود غزنوی. و برای جلوگیری از اطالة کلام تنها باید دانست که سپهبدار ۱۷ معنی دارد و سپهبد ۲۸ معنی.

دیگر به عهده خواننده است که بداند واژه در بیت مورد نظرش به کدام یک از اینها برمی‌گردد. و اینکه چرا مثلاً در معنی کلمه شاه نام جمشید و تهمورث و مرداس و ضحاک و منوچهر و بقیه شاهان خوب یا بد حذف شده است دلیل آن همان است که در بخش اول گفتیم.

پانویس:

۱- این کتاب در سلسله «آثار مرجع فرزانه» چاپ شده است که امیدوارم سایر آثار مرجع این انتشارات این اشکال‌ها را نداشته باشد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات  
پرتال جامع علوم انسانی

## نامه‌های ملک الشعرا بهار

این کتاب، شامل یکصد و ده نامه از ملک الشعراء بهار است که در طول نزدیک به چهل سال و در ارتباط با حوادث مختلف سیاسی - اجتماعی نگاشته شده است.

نخستین نامه مربوط است به درخواست لقب «ملک الشعراء» از آستان قدس رضوی. پس از مرگ پدرش در سال ۱۳۹۲ ش/ ۱۳۲۲ ق. و آخرین آنها، نامه‌های است خصوصی به یکی از اقوام بهار که در ۲۷ اسفند ۱۳۲۹ نوشته شده است. این نامه‌ها به لحاظ موضوعی، تقسیم می‌شود به:

- نامه‌های خانوادگی. مانند: نامه‌های بهار به همسر (پیش از ازدواج) و فرزندان.
- نامه‌های سیاسی. مانند: نامه‌های بهار در ارتباط با انتخابات مجلس پنجم و یا به محمدعلی فروغی به هنگام تبعید در اصفهان.
- نامه‌های ادبی. مانند: نامه‌های بهار به رئیس دارالمعلمین، مربوط به طرح پیشنهادی تدریس تاریخ ادبیات ایران و یا نامه منظوم او به صادق سرفرد.
- نامه‌های دوستانه، مانند: نامه‌های بهار به زمین‌العابدین رهنما، مجتبی مینوی و محمدعلی جمالزاده.
- نامه‌های اداری. مانند: نامه‌های بهار به رئیس دانشکده ادبیات.

بلندترین نامه، پیش‌نویس تحلیلی است مفصل از اوضاع ایران بعد از جنگ جهانی اول که مخاطب آن معلوم نیست و کوتاهترین آنها، تقاضا نامه‌ای است خطاب به شهربانی در ارتباط با اخذ پروانه مسافرت به کپلان که در مرداد ۱۳۱۸ نوشته شده است. نامه‌های بهار به همت علی میراتصاری فراهم شد است و از سوی سازمان اسناد ملی ایران منتشر خواهد شد.